

Research Article

A legal-criminological study of the personality case relying on its foundations in Islamic jurisprudence

Maryam soleymani^۱, naghmeh farhood^۲, seyed basem mavalizadeh^۳

Received: ۲۰۲۲/۰۷/۲۶

Accepted: ۲۰۲۲/۱۱/۱۲

Abstract

The purpose of this research is to study the legal-criminological case of the personality with a preventive approach in Iranian and Canadian law, which was carried out in a descriptive-analytical method and based on library sources. The results of this research show that in the criminal system of Canada, the personality file and generally paying attention to the personality of the criminal has a high position in comparison with the criminal law of Iran. In the criminal law of Islamic, the investigation about the character of the accused and his financial, family and social situation is foreseen, and this investigation is mandatory in the preliminary investigation stage, in optional misdemeanor cases and in criminal cases. In Islamic law, as in many countries where preliminary investigations are conducted by an investigating judge or an investigator, he is ordered to create a character file so that after the trial, if the accused is found guilty and based on the reports in the personality file should act to determine the appropriate, effective and useful response. On the contrary; Iranian criminal law does not provide for the filing of a character file explicitly and as a central approach in criminal proceedings, and it is declared mandatory only at the stage of execution of the prison sentence in order to classify the prisoners. However, according to some articles of the Islamic Penal Code (Articles ۲۲ and ۲۵) and the Criminal Procedure Code (Article ۲۲۲), it can be said that a criminal judge, in order to issue a verdict or a fair decision towards the criminal, implicitly prepares a character file as one of the accessories of the proceedings. Although the filing of a character case, how it is done and by whom is a question, the compilers of the ۱۳۹۰ Penalty Bill have taken a more appropriate approach compared to the current law and implicitly in some articles They have considered the personality case, which we will refer to in the upcoming discussions. It should be noted that the legislator in drafting the criminal procedure bill in a rationalistic action, although with a remarkable delay in Article ۲۰۰ for adults and in Article ۲۸۶ has provided for the filing of a character file for children and teenagers only in serious crimes and of course in the preliminary investigation stage.

Keywords: personality file, preliminary investigations, judicial process, personal history, Islamic jurisprudence.

^۱ - PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran/ PhD student, Department of criminal Law, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Andimshek branch, Islamic Azad University, Andimshek, Iran. (corresponding author) farhudnaghmeh@gmail.com

^۳ - Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی ابعاد، الزامات و کارکردهای پرونده شخصیت در حقوق ایران با تکیه بر بنیادهای آن در فقه اسلامی

مریم سلیمانی^۱، نغمه فرهود^۲، سید باسم موالی زاده^۳

چکیده

مطالعه تطبیقی ابعاد، الزامات و کارکردهای پرونده شخصیت در حقوق ایران، مبتنی بر فقه اسلامی می باشد که به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای انجام شده است. نتایج این تحقیق، نشان می دهد که در نظام کیفری اسلام شخصیت فرد و به طور کلی توجه به شخصیت بزهکار، در مقایسه با حقوق کیفری ایران از جایگاه رفیعی برخوردار است. در حقوق اسلام، تحقیق درباره شخصیت متهم پیش بینی شده است که می تواند در تطابق با مراحل مختلف دادرسی استظهار گردد. در مرحله مقدماتی تحقیقات و همچنین در جنایات الزامی است. در مقابل؛ حقوق کیفری ایران تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً و به عنوان یک رویکرد محوری در مراحل رسیدگی کیفری پیش بینی نشده و فقط در مرحله اجرای مجازات حبس آن هم به منظور طبقه بندی زندانیان، تشکیل آن الزامی اعلام شده است. اما به موجب بعضی مواد قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۲ و ۲۵) و قانون آیین دادرسی کیفری ماده (۲۲۲) میتوان گفت که قاضی کیفری برای صدور حکم یا تصمیم عادلانه نسبت به بزهکار به طور ضمنی به تنظیم پرونده شخصیت به عنوان یکی از لوازم دادرسی عادلانه مکلف شده است. لذا معیارهای وارده در فقه اسلامی، می تواند دیدگاه وسعت گرایانه ای را فراروی بهره بران قضایی قرار دهد.

واژگان کلیدی: پرونده شخصیت، تحقیقات مقدماتی، فرآیند دادرسی، سابقه فردی، نظام کیفری اسلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران/ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ - استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران. (نویسنده مسئول)

farhudnaghme@gmail.com

^۳ - استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

مقدمه

شخصیت در لغت به معنی شرافت، نجابت، بزرگواری، مرتبه و درجه آمده است، شخصیت از دیدگاه روان شناسی با آنچه در اصطلاح عامیانه متداول است متفاوت می باشد. شخصیت ترجمه کلمه *personality* است و از واژه *persona* مشتق شده است، پرسونا به معنی ماسکی بود که در قدیم بازیگر تئاتر به چهره خود می زد و آن را تا آخر نمایش نگه می داشت. در تعریف شخصیت باید گفت «شخصیت یعنی عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و بطور کلی آنچه همراه با او هست و موجب تمایز او از دیگران می شود.» (گنجی، ۱۳۷۸، ۳۰۸). شخصیت عبارت است از تمامیت جسمانی، روانی و اجتماعی فرد. با توجه به این تعریف می توان شخصیت هر فرد را از سه جنبه مورد مطالعه قرار داد: زیست شناسی، روانشناسی و جامعه شناسی. از جنبه زیست شناختی ویژگی هایی مانند سن، جنس، رنگ پوست، نژاد و اندام مورد بررسی قرار می گیرد و به لحاظ روان شناختی، عواطف، تمایلات، نیروی اراده، قوای عاقله، رفتار و مانند آن مورد توجه است. از منظر جامعه شناختی نیز وضعیت خانوادگی و اجتماعی هر فرد مطالعه می شود (هدایی، ۱۳۹۵: ۵۶).

از آنجا که عوامل موثر در شکل گیری شخصیت و تکوین آن مشتمل بر عوامل مختلفی است که از آن جمله می توان به عامل ژنتیک، وراثت و محیط اشاره کرد و همچنانکه از دیرباز در میان فلاسفه و متفکران در خصوص جبر و اختیار اختلاف نظر وجود داشته در جرم شناسی نیز اصل اختیار و آزادی در بزهکاری و همچنین تئوری جبر در بزهکاری هر کدام طرفدارانی دارد. جرم شناسان در بررسی چگونگی تکوین پدیده جرایمی در جامعه، علل جرم زایی را به عوامل فردی، روانی، محیطی و اجتماعی تقسیم می نمایند. سن، جنسیت، وراثت، اختلالات و عقده های روانی، نابسامانی های خانوادگی، طلاق، بیکاری، بی سواد، اعتیاد، فقر فرهنگی و اقتصادی به عنوان بزرگترین عوامل جرم زاء نقش انکارناپذیری در زایش ناهنجاری های اجتماعی همچون جرم دارند (رضایپور و جعفری نژاد و دهقانزاده، ۱۳۹۵: ۷۷).

در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۳۸ آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ شناخت شخصیت محکومان به حبس و کشف و حل مشکلات شخصی، خانوادگی و اجتماعی آنان با کسب نظر روان شناسان و ضبط این اطلاعات در پرونده شخصیت صریحاً ذکر شده و مطابق بند «ک» ماده ۱۸ آئین نامه مذکور، تهیه آمار و اطلاعات جهت استفاده در امور اجرایی و مطالعات کیفر شناسانه لازم دانسته شده است.

با عنایت به اینکه ضرورت تشکیل پرونده شناسایی شخصیت بزهکار در امور کیفری از ضروریات یک دادرسی عادلانه کیفری است و این مسأله مخصوصاً در مرحله اتهامی یا دادرسی با حقوق دفاعی متهم و دفاع از اصل آزادی و حقوق فردی متهمان ملازمه دارد و این مسأله در حقوق کیفری ایران به سکوت برگزار شده است و فقط در یک مورد از این پرونده صحبت به میان آمده و آن هم در مرحله اجرای مجازات حبس که در آئین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مندرج است که وافی به مقصود نمی باشد. لذا به منظور تعدیل عوامل زمینه ساز بزهکاری و در نتیجه مشاهده سیر نزولی آمار جرائم، تشکیل پرونده شخصیت متهم (نه فقط محکومان به حبس) در تمام مراحل دادرسی و اتکا به این پرونده جهت صدور حکم لازم و ضروری است (محمدیان و محمد رضا پور، ۱۳۹۲: ۳۳۲).

یکی از مسائل مهم که شاید در کشور ما به آن توجهی نشده است و یا طی چند سال اخیر با اقتباس از کشورهای نظیر اروپایی و امریکایی، به تازگی مورد بررسی قرار گرفته است مسئله پرونده شخصیت و بررسی تأثیر آن بر اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم می باشد. هر اجتماعی طبق آداب و رسوم، اعتقادات مذهبی، اوضاع

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارای اصول و قواعدی است که اگر فردی اصول و قواعد مزبور را رعایت نکند در انظار عمومی قابلیت انطباق اجتماعی نداشته و دارای حالت خطرناک و در مظان ارتکاب جرم است. توجه به شخصیت بزهکار از نوآوری های مکتب تحقیقی در اواخر قرن نوزدهم و پیشنهاد تشکیل پرونده شناسایی شخصیت بزهکار با استفاده از داده های حاصل از آزمایش های روانی و جسمی در کنار پرونده کیفری از آورده های مکتب دفاع اجتماعی نوین در اوایل قرن بیستم است. همچنین جریان فکری «فردی کردن کیفر» که ریشه در آموزه های مکاتب نئوکلاسیک، تحقیقی و دفاع اجتماعی دارد و بر انطباق نوع و میزان مجازات با شخصیت بزهکار تأکید می کند، مبنا و پشتوانه محکمی برای توجیه هدف و ضرورت تشکیل پرونده شخصیت است (طویلی و شیداییان و میرخلیلی و دارابی، ۱۴۰۰: ۸۹). با این وصف پرونده شخصیت عبارت است از مجموعه آزمایش های جسمی و روانی و پژوهش های جامعه شناختی برای شناسایی شخصیت بزهکاران در راستای اعمال ضمانت اجرای کیفری مناسب و انتخاب شیوه اجرای آن. بنابراین به نظر می رسد موضوع تشکیل پرونده شخصیت و مباحثی که در مورد آن وارد شده است نتایج قابل توجهی در اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمین در نظام حقوق کیفری ایران خواهد داشت (لهونی، ۱۳۹۴: ۲۶). با وجود سال ها مطالعه پیرامون پرونده شخصیت و اهمیت و ضرورت آن در فرآیند کیفری و پساکیفری، هنوز موانع و چالش هایی جهت کاربرد پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران بویژه در زمینه اصلاح و درمان بزهکاران وجود دارد که امید است در آینده ای نزدیک این پرونده جایگاه مناسبی در نظام کیفری ایران بیابد. بنابراین ضرورت انجام این تحقیق در ارائه روشی است که در مورد بزهکار یا فرد در حالت خطرناک بایستی اجرا گردد که این امر با تصویب لایحه جدید آیین دادرسی کیفری ایران که به صراحت تشکیل پرونده شخصیت را برای اطفال و نوجوانان بزهکار و نیز بزرگسالان مطرح کرده است تا حدودی قابل تحقق است. لذا با عنایت به آنچه که در قسمت قبلی راجع به اهمیت موضوع بیان شد در این تحقیق به مطالعه تطبیقی ابعاد، الزامات و کارکردهای پرونده شخصیت در حقوق ایران، فرانسه و فقه اسلامی می پردازیم.

۱- معرفی مبانی ترتیب اثر دادن به شخصیت فرد در اسلام

این مبنا از آنجا ناشی می شود که حضرت علی علیه السلام در ارتباط با سوابق بعضی افراد بی موقعیتهای اجتماعی را از آنان سلب نمود و در خصوص کیفر دهی سوابق آنان نزد ایشان ملاک قرار گرفته بود. بنابراین توجه ایشان به سوابق و شخصیت افراد همان نمونه تأثیر شخصیت و در معنای اتم آن تشکیل پرونده شخصیت می باشد. چه اینکه در آن زمان سوابق افراد نزد امیر و قاضی مسلمین که خود ایشان بوده است مشخص بوده و در انتصابات خود آن امام بزرگوار دخالت داشته اند. بنابراین حفظ سوابق نزد ایشان خود مصداق بارز توجه به سوابق فرد و بر اساس معیارهای ذکر شده نسبت به آنان اتخاذ تصمیم می نمودند.

یکی از عواملی که می توانست به اهداف حضرت علی (ع) در تحقق جامعه مطلوب خویش کمک نماید، انتخاب کارگزاران شایسته و صالح بود و همان گونه که پیشتر اشاره شد، این امر یکی از اصول مهم مدیریت ایشان به شمار می رفت. با تأمل در سخنان حضرت در نهج البلاغه مشخص می شود که او در انتخاب کارگزاران حکومت دقت لازم را به عملی آورده و متناسب با نوع مسؤولیت و وظیفه، ملاک و معیارهایی را در نظر می گرفته است. سپس به کارگزاران عالی رتبه خود نیز معیارهای لازم را در انتخاب عناصر تحت امر، توصیه می نموده است.

امام علی (ع)، کارگزاران خود را در مسؤولیتهای مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و ... بر اساس شاخصههایی متناسب با سِمَت آنان انتخاب می کرد. علاوه بر معیارهای عمومی و مشترک در جنبه های عقیدتی و اخلاق فردی مانند

عقیده به اسلام، ایمان، تقوا، حُسن سابقه و این قبیل ویژگی‌ها، معیارها و شاخصه‌های دیگری را در انتخاب کارگزاران رعایت می‌کرد تا با ایجاد نظام مدیریتی کارآمد و شایسته، امور مردم به بهترین شکل انجام شده و عدالت اجتماعی تحقق یابد. بدین صورت، ایشان دینداری و تعهد را بافضیلت‌گرایی و شایسته‌سالاری توأم نمود و کوشش کرد تا حکومت دینی در خدمت مردم را مستقر سازد.

حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر که به سبب عزل شدنش از حکومت مصر دلگیر شده بود دلایل عزل او و انتخاب مالک اشتر را به جای وی بیان نموده است. او در بیان ویژگی‌های مالک می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيِّهُ أَمْرَ مِصْرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَ عَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا»؛ (محمد دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۴) همانا مردی را که فرماندار مصر قرار داده بودم نسبت به ما خیرخواه و به دشمنان ما سختگیر و درهم کوبنده بود. در این نامه، موارد زیر از جمله معیارهای انتخاب مالک برای مسؤولیت فرمانداری مصر، ذکر شده است:

- ۱- خیرخواهی نسبت به رهبر و امام جامعه،
 - ۲- صلابت و قدرت مقابله در برابر دشمن و عدم مسامحه و سازش با مخالفان،
 - ۳- توانایی لازم برای انجام مسؤولیت.
- در بیان ویژگی‌های محمد بن ابی‌بکر نیز معیارهایی مانند خیرخواهی، تلاش و کوشش، شجاعت و توانایی، قدرت دفاع و پاسداری را نام برده است.^۷ در نامه‌ای دیگر به مردم مصر، آنگاه که مالک اشتر را به سوی آنها اعزام می‌نماید، او را با ویژگی‌هایی توصیف نموده و همان موارد را از معیارهای انتخاب وی برای وظیفه ولایتداری برشمرده است از جمله:
- ۱- محافظت و حراست از مسؤولیت (تعهد و احساس مسؤولیت)
 - ۲- کوشا و فعال بودن،
 - ۳- شجاعت و ترسیدن از دشمن،
 - ۴- صلابت و شجاعت بر بدکاران،
 - ۵- قاطعیت و بُرندگی در امور،
 - ۶- اطاعت از رهبری و امام جامعه،
 - ۷- خیرخواه مردم بودن،
 - ۸- بر معیار حق عمل نمودن (حق‌گرایی)،
 - ۹- برخورداری از تدبیر و قدرت حل مشکلات.

«... من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی‌خواهد و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند، بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است، او مالک پسر حارث مَدِجِی است. آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید، و از او اطاعت کنید، او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه تیزی آن کُند می‌شود، و نه ضربت آن بی‌اثر است. اگر شما را فرمان کوچ کردن داد، کوچ کنید و اگر گفت بایستید، بایستید، که او در پیشروی و عقب نشینی و حمله، بدون فرمان من اقدام نمی‌کند. مردم مصر، من شما را بر خود برگزیدم که او را برای شما فرستادم، زیرا او را خیرخواه

^۷ - همان، نامه ۳۵.

شما دیدم، و سرسختی او را در برابر دشمنانتان پسندیدم» (محمد دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۸) دلیل انتخاب افرادی با این ویژگی‌ها آن است که اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است. در انتخاب نویسندگان و منشیان امور اداری نیز معیارهایی را برشمرده از جمله اینکه: صالح باشند، روحیه تجاوزگری و سرکشی نداشته باشند، گستاخ و پرده‌در نباشند، در انجام وظایف محوله کوتاهی نکنند، فراموشکار نباشند، در تنظیم قرارداد سستی نورزند، منزلت و قدر خود را بشناسند، امانتدار باشند، آثاری نیکو در میان مردم به جا گذاشته باشند، و برای زمامداران قبلی چگونه خدمت کرده‌اند.

۲- اهداف شخصیت شناسی متهم در حقوق اسلام

بی‌شک یکی از اهداف شخصیت شناسی کیفری در اسلام، اصلاح فرد و جامعه است. (فیض، علی‌رضا، ۱۳۷۹، ص ۳۸۹) اصلاح و تربیت مجرمان که از اهداف حقوق جزای مدرن شناخته می‌شود و درباره آن نظریه‌پردازی‌های فراوانی شده است، در نظام کیفری اسلام نیز، یکی از اهداف مهم به حساب می‌آید. به گونه‌ای که اگر بدون اجرای مجازات نیز، این هدف تأمین شود، مجازات ساقط خواهد شد. پذیرفته شدن عفو و توبه به عنوان دو نهاد مکمل در کنار نهاد مجازات، نشان‌دهنده چنین واقعیت است. در قرآن کریم مسئله اصلاح هم در خصوص توبه و هم در مورد عفو مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۱- توبه و اصلاح

در اکثر مواردی که قرآن کریم توبه را موجب از بین رفتن آثار یک عمل ممنوع و نامشروع دانسته است، آن را به اصلاح مقید کرده و توبه تنها را کافی ندانسته است. «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ»^۸ پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خدا توبه او را می‌پذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است. یعنی در مورد توبه هم، اصلاح را به خود شخص نسبت داده است و این خود توبه‌کننده است که باید وضع خود را اصلاح، و گذشته خود را جبران کند و البته هر توبه واقعی چنین آثاری را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است ساقط شدن مجازات با توبه شرایطی دارد که در کتب فقهی بیان شده‌اند. در قانون مجازات اسلامی که انعکاسی از فقه است، این مورد یعنی سقوط مجازات با توبه در مواردی ذکر شده است؛ از جمله:^۹

۲-۲- عفو و اصلاح

در مورد عفو نیز در قرآن کریم مسئله اصلاح مطرح شده است. با این تفاوت که اصلاح به عفوکننده نسبت داده شده است؛ لذا در آیه چهل از سوره مبارکه شوری^{۱۰}. که مقابله به مثل به عنوان یک حق پذیرفته شده است، ولی در ادامه بر این نکته تأکید شده است که اگر صاحب حق عفو کند و اصلاح نماید، پاداش او بر (عهده) خداوند خواهد بود.

^۸- مائده/سوره ۵، آیه ۳۹.

^۹- ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی درباره سقوط حد زنا با توبه به قبل از اقامه شهادت. قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۲۵، ماده ۱۳۲ ماده ۱۸۱.

^{۱۰}- شوری/سوره ۴۲، آیه ۴۰.

بدیهی است که عفو زمینه بازگشت به صلاح و رستگاری را فراهم می‌آورد و فرصت دوباره به مجرم می‌دهد تا در رفتار خود تجدیدنظر کند و دلیل استناد اصلاح به عفوکننده، چنانچه برخی مفسران به آن اشاره کرده‌اند، شاید همین نکته باشد که چون شخص عفوکننده فرصت اصلاح را برای مجرم فراهم می‌سازد، لذا اصلاح به او نسبت داده شده است.

۲-۳- مجازات و اصلاح

اما در مورد این که آیا اعمال مجازات هم می‌تواند تأثیر اصلاح‌کننده بر مجرم داشته باشد یا نه، میان دانشمندان اختلافی است. در عین حال به نظر می‌رسد که مجازات در شرایط خاص می‌تواند اثر تربیتی و اصلاحی داشته باشد. خصوصاً این که از دیدگاه اسلام آثار اعمال کیفر صرفاً آثار دنیوی و مادی نیست؛ بلکه علاوه بر آن، اثر معنوی تطهیر مجرم از آثار سوء ارتکاب جرم را نیز در پی دارد (فیض، علی‌رضا، ۱۳۷۹، ص ۳۸۰).

تا به حال دو عنصر مهم (عفو و توبه) را که در اصلاح مجرم نقش کلیدی ایفا می‌کردند و غرض اصلی آنها همان اصلاح و تربیت مجرمان است، مطرح شد.

۲-۴- ممنوعیت اجرای مجازات در صورت وجود مفسده

اما اینکه به مواردی از آموزه‌های دینی و روایی اشاره می‌شود که در آنها نیز این نکته مورد توجه و تأکید قرار گرفته است که بیش‌ترین توجه حقوق اسلامی به اصلاح و تربیت مجرمان و آماده کردن آنها برای بازگشت به زندگی سالم است، نه صرفاً مجازات مجرمین؛ برای نمونه، به ممنوعیت اجرای مجازات در صورت داشتن مفسده می‌توان اشاره کرد. از دیدگاه فقهی، اجرای مجازات بر مجرمین مسلمان در سرزمین‌های غیراسلامی ممنوع است و علت این ممنوعیت این گونه بیان شده است که در صورت اعمال مجازات بر آنها، ممکن است غیرت و عصبیت بر آنها چیره شود و به دشمن پیوندند. بنابراین نباید در آنها بر این مجازات‌ها را اعمال کرد (حرعاملی، ج ۱۸، باب ۱۰، ح ۱ و ۲)؛ یعنی در واقع در اینجا مجازات به جای این که موجب اصلاح و تربیت فرد شود، موجب آن می‌شود که حتی فرد را از دایره اصلاح و تربیت اسلامی نیز خارج کند. بنابراین مجازات متوقف می‌شود. گرچه مورد اجرای این حکم خاص است، ولی خود حکم، عام است و از باب وحدت مناط قابل تسری است. بر همین اساس در باب حدود (سرقت و غیره) تأکید شده است که تا پیش از طرح شکایت نزد حاکم اگر تشخیص دادید که مجرم پشیمان است، از طرح آن نزد حاکم ممانعت کنید (حرعاملی، ج ۱۸، ص ۳۲۹). در قانون مجازات هم یکی از شرایط اجرای حد این است که سارق قبل از ثبوت جرم از گناه توبه کرده باشد (حرعاملی، ج ۱۸، ص ۳۳۳). این نوع برخورد هم به‌روشنی تأکید بر اصلاح مجرم را بر اجرای مجازات ترجیح می‌دهد.

۲-۵- اختیار حاکم در تناسب مجازات و شخصیت متهم

اینکه حاکم اسلامی می‌تواند در برخی موارد با رعایت مصلحت، مجرم را مورد عفو قرار دهد، نشان از آن دارد که این اختیار به حاکم داده شده تا در صورت مشاهده آثار اصلاح و تربیت در مجرم، از اجرای مجازات بر او خودداری کند و این که هدف انبیا و اولیا، اصلاح و بازسازی و تربیت انسان‌ها بوده است، مؤید دیگری برای این مطلب است.

۲-۶- توجه به اصلاح مجرمان

اهمیت به حقوق زندانیان از حیث تأمین مایحتاج، دادن حق ملاقات، استفاده از هوای آزاد و نیز انجام دادن عبادات در داخل زندان و نماز جمعه و عید در خارج زندان که در کتاب‌های آداب القضاء طرح شده است، نشان از توجه به تربیت و اصلاح

مجرمان و برگرداندن آنها به زندگی سالم جامعه دارد. خصوصاً در مورد شرکت در نماز جمعه و عید این وجه آشکارتر است. در قانون اداره زندان‌ها نیز به تربیت و اصلاح مجرمان توجه ویژه داده شده است؛ به عنوان نمونه، می‌توان به قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۷ مراجعه کرد.

۳- پرونده شخصیت در دادرسی‌های کیفری ایران

هرچند در سیستم قضایی ایران، تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی‌های کیفری بزرگسالان پیش بینی نشده است اما برخی حقوقدانان معتقدند که مراجع قضایی با عنایت به برخی مقررات کیفری ناگزیر از تشکیل پرونده شخصیت می‌باشند (مودن زادگان، ۱۳۸۹: ۲۴۰)، مانند اینکه قاضی هنگام تعیین مجازات تعزیری و بازدارنده و برای اعمال کیفیات مخففه با توجه به وضع خاص متهم یا سابقه او^{۱۱} یا اوضاع و احوال خاصی که تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده^{۱۲}، مکلف به تنظیم نوعی پرونده شخصیت می‌باشد. در این خصوص باید به آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ اشاره کرد. به موجب مواد ۴۷ و ۶۳ این آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی شناخت شخصیت متهمان و محکوم و طبقه بندی آنها با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌شود و در ماده ۶۴ نیز تهیه و تنظیم پرونده شخصیت شرح داده شده است. با وجود ماده ۴۷ و با توجه به صراحت مواد ۶۳ و ۶۴ آیین نامه مذکور در مورد تشکیل پرونده شخصیت برای محکوم به حبس، در حال حاضر در پرونده های مطروحه در دادگاههای جنایی، کم توجهی به این قوانین محسوس است تا بدانجا که پزشکی قانونی تنها به احراز مسئولیت کیفری مجرمین در راستای اعمال ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد: «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است.» به اثبات جنون یا عدم آن در فرد مجرم بسنده می‌کند. درحالی که هر فرد در جامعه مدنی، به میزان مسئولیت خود در قبال ارتکاب عمل مجرمانه بویژه جرمی مانند قتل که طبق ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی مستوجب اشد مجازات یعنی قصاص است واقف بوده و بازتاب آن را در جامعه مشاهده می‌کند اما باز هم مرتکب این عمل می‌گردد، علت چیست؟ شاید روانکاوی شخصیت مجرمین و تأکید بر تشکیل پرونده شخصیت آنان از سوی افراد متخصص بتواند به پیشگیری و یا حداقل کاهش این جرایم کمک کند. بدیهی است، حوزه وسیع علم حقوق در سه شاخه تحقیق، پیشگیری و صدور احکام ناظر بر مجازات متهم احاطه داشته و ناگزیر است براساس اصول متداول در علم جرم شناسی و سایر علوم موازی در این شاخه، حسب موضوع به بررسی دقیق تر عمل مجرمانه بپردازد (حافظی، ۱۳۸۹: ۲۳). لازم به ذکر است لزوم تشکیل پرونده شخصیت در رسیدگی به جرایم بزرگسالان در لایحه آیین دادرسی کیفری نیز پیش بینی شده است. براساس ماده ۲۰۰ از فصل ششم باب دوم این لایحه «در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه یک تا چهار است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد حاوی مطالب زیر خواهد بود:

الف- گزارش مددکاری اجتماعی درخصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم.

^{۱۱}- بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ایران.

^{۱۲}- همان، بند ۳ ماده ۲۲.

ب- گزارش پزشکی و روانپزشکی.

بنابراین تشکیل پرونده شخصیت درباره جرایمی که در ماده بیان شد الزامی است ولی درباره سایر جرایم الزام یا اختیاری مشخص نشده است.

لذا به منظور تعدیل عوامل زمینه ساز بزهکاری و در نتیجه مشاهده سیر نزولی آمار جرایم، تشکیل پرونده شخصیت متهم (نه فقط محکومان به حبس) در تمام مراحل دادرسی و اتکا به این پرونده جهت صدور حکم، لازم و ضروری است.

۳-۱- ضرورت تشکیل پرونده شناسایی شخصیت در مراحل مختلف رسیدگی کیفری

ضرورت شناسایی شخصیت مجرم برای روشن ساختن فرآیند ارتکاب جرم و نیز تصمیم گیری درباره مجازات متناسب و «فردی شده» اهمیت تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری را آشکار می سازد. در پرونده کیفری قاضی دادگاه به اثبات مجرمیت و تطبیق موضوع جرم با قوانین توجه می کند، اما در پرونده شخصیت شاخص های آسیب روانی، زیستی، اجتماعی، جنبه های شخصیتی مجرم و عوامل موثر در ارتکاب جرم مورد بررسی قرار می گیرند. در حقوق ایران متأسفانه ضرورت تشکیل پرونده شناسایی شخصیت هنوز آنگونه که باید و به ویژه در مورد بزرگسالان و حتی در جرایم مهم احساس نشده است. قبل از انقلاب در یکی از لوایح آیین دادرسی کیفری تشکیل پرونده مذکور در امور جنایی پیش بینی شده بود که آن نیز به علت عدم توجه منتفی شد. اما در مورد حقوق کیفری اطفال بزهکار، هم قبل از انقلاب و هم با تصویب و لازم الاجرا شدن قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری اقداماتی صورت گرفته است. از جمله: ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ که به حق باید آن را قانونی مترقی در زمینه دادرسی اطفال، در زمان تصویب آن تلقی کرد، انجام دادن تحقیقات لازم پیرامون وضع مزاجی، روحی، خانوادگی یا محیط معاشرت طفل و یا والدین او را به تشخیص دادگاه واگذار کرده بود. دادگاه مجاز بود که برای تحقیق این مهم از هر وسیله ای که مقتضی بداند و از جمله توسل به متخصصان علوم مختلف استفاده کند.

ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز با اختیاری تلقی کردن شناسایی شخصیت بزهکار، حتی در جرایم بسیار مهم ارتكابی از سوی اطفال مقرر می دارد: «چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد، دادگاه می تواند به هر وسیله ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص خبره را جلب کند.» همانطور که ملاحظه می شود، برخلاف قانون سال ۱۳۳۸، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب به بررسی وضع جسمانی طفل اشاره نکرده است (آشوری و معظمی، ۱۳۸۹: ۲۶). بدون تشکیل پرونده شخصیت هدف اصلاحی بزهکار و دفاع اجتماعی مناسب از جامعه در مقابل بزهکاری امکان پذیر نمی باشد. درست است ترس از مجازاتها باعث شده جرم حالت فوق العاده بحرانی به خودش نگیرد ولی در عمل ما برای مهار جرم بسیار هزینه می کنیم اما جامعه هنوز ایمن نیست. اگر می خواهیم واقعاً یک برخورد مناسب با جرم داشته باشیم باید به سمت هدف اصلاح و درمان برویم و کنترل جرم باعث می شود که سود کنترل جرم به جامعه برگردد. تشکیل پرونده شخصیت باعث می شود در عمل نرخ تکرار جرم پایین بیاید و در نتیجه جامعه در مقابل جرم مصون شود. پس واکنش ما در مجازات باید طوری باشد که حتی خود مرتکب جرم هم احساس عدالت کند (یهونی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۳-۲- مراحل تشکیل پرونده شخصیت

با توجه به اهمیتی که پاره ای از جرایم دارند و از لحاظ اجتماعی قابل بحث و تجسس هستند تشکیل پرونده شناسایی شخصیت ضرورت پیدا می کند. لذا لزومی ندارد که برای کلیه جرایم، مبادرت به تشکیل آن شود و این همان چیزی است که قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و به تبع آن، طرح اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری ایران (۱۳۵۳) از آن تأسی نموده اند. از دیرباز در آیین دادرسی سنتی، برای تعیین میزان مسئولیت یا قدرت تمیز و درجه هوشیاری متهم، او را مورد معاینه و آزمایش روانپزشکی قرار می دادند و روانپزشک پس از آزمایش متهم، گزارش کتبی خود را به بازپرس ارائه می کرد و یا به طور شفاهی در جلسات دادگاه می خواند، اما امروزه پرونده شخصیت فقط یک گزارش ساده روانپزشکی برای احراز مسئولیت نیست و یکی از چالش های مهم پیرامون پرونده شخصیت این است که در کدام مرحله از فرآیند دادرسی کیفری باید تشکیل شود. دو دیدگاه متفاوت در این باره قابل بررسی است:

۳-۲-۱- تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی و تعقیب

اقدامات تحقیقی، ناظر به تمهید و تکمیل پرونده «عمل مجرمانه» به منظور فراهم ساختن شرایط لازم برای یک دادرسی منصفانه است. با ظهور مکتب اثباتی در اواخر قرن نوزدهم توجه همگان به سوی شخصیت مجرم، این «نو رسیده حقوق کیفری» جلب شد. در مرحله تحقیقات مقدماتی، دادرسا مرجع تشکیل پرونده متهم است که با استفاده از نظر متخصصان ابعاد شخصیتی او را بررسی می کند و پس از تأیید قرار مجرمیت توسط دادستان، کیفرخواست تنظیم شده را به همراه پرونده شخصیت به دادگاه ارسال می کند. دادگاه پس از تشکیل جلسه و استماع دفاعیات متهم و نظر هیأت منصفه، در صورت مجرم شناخته شدن فرد، با استفاده از گزارش های موجود در پرونده شخصیت، درباره تعیین و اجرای واکنشی مفید و مناسب که موجب اصلاح بزهکار و دفاع از جامعه شود، تصمیم گیری می کند (صاحبی، ۱۳۸۳: ۳۳).

پیشرفت های علمی و تحقیقات انجام شده اصل آزادی اراده موردنظر مکتب کلاسیک را مورد تردید قرار داد و ضرورت انطباق واکنش اجتماعی با ویژگی های شخصیتی کسی که نظم اجتماعی را مختل کرده است، امری ضروری تشخیص داده شد. نظر به اینکه مجازات نه هدف که وسیله ای جهت دفاع از خود در مقابل بزهکاری است، شناخت شخصیت مجرم به منظور تشخیص واکنش متناسب و استفاده از ابزارهای جدید سیاست جنایی مانند تعلیق مجازات، آزادی مشروط، تخفیف مجازات، تعلیق تعقیب و ... در کنار تحقیقات ناظر به عمل مجرمانه، در طول قرن بیستم از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. بنابراین دیگر نمی توان به سوابق اداره سجل کیفری یا به اطلاعاتی که به سرعت در مورد وضع اخلاقی متهم جمع آوری می شود، بسنده کرد و آزمایش علمی شخصیت که از آن به آزمایش «پزشکی، روانپزشکی و اجتماعی» تعبیر می شود، برای شناخت ویژگی های بیولوژیک، روانی و وضعیت خانوادگی و اجتماعی کسی که در تعارض با ارزش های مورد حمایت قانونگذار قرار می گیرد، امری ضروری است. تشکیل چنین پرونده ای که نخست در مورد اطفال بزهکار پذیرفته شده بود به جرایم مهم ارتكابی از سوی بزرگسالان نیز تسری یافت.

در قوانین کیفری فعلی ایران نیز چنانچه بیان شد به انجام تحقیقات درباره وضع روحی و روانی اطفال و نوجوانان اشاره شده است^{۱۳} و لایحه آیین دادرسی کیفری به صراحت ضرورت تشکیل پرونده شخصیت را در مرحله تحقیقات مقدماتی

^{۱۳} - ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران.

برای اطفال و نوجوانان بزهکار و بزرگسالان مطرح کرده است.^{۱۴} تشکیل پرونده در این مرحله، انتقاد و نگرانی به همراه داشته است. برخی معتقدند شناخت متهم پیش از اثبات مجرمیت او، ممکن است مانع از آن شود که با وجود ظن قوی دال بر مشارکت معنوی یا مادی متهم در ارتکاب جرم، قاضی یا هیأت منصفه او را مجرم اعلام کنند و به بیان دیگر ارزیابی تقصیر متهم در مرحله محاکمه که باید در کمال بی طرفی و به صورت عینی انجام شود، به دلیل محتوای پرونده شخصیت او دچار اختلال شود.

بنابراین پیشنهاد می شود که ارزیابی مسئولیت و میزان تقصیر مانند گذشته به قضات دادگاه ها سپرده شود و پرونده شخصیت پس از صدور حکم محکومیت و در مراحل تعیین و اجرای مجازات تشکیل شود. گذشته از اینکه تشکیل پرونده شناسایی شخصیت در کنار پرونده کیفری و در مرحله تحقیقات مقدماتی، باعث آشنایی قاضی محکمه با شخصیت مجرم در هنگام رسیدگی و صدور حکم جهت تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب با آن شخصیت می گردد. تشکیل این پرونده در مرحله تحقیق و تعقیب تأثیر به سزایی در اتخاذ تصمیم مناسب توسط مقام تعقیب و یا تحقیق نیز دارد، که همین امر تشکیل چنین پرونده ای را در این مراحل ضروری می نماید:

۳-۲-۱-۱- صدور قرار تأمین

اصولاً رویه اینگونه است که در قوانین آیین دادرسی کیفری برای افرادی که تحت تعقیب کیفری هستند محدودیت هایی ایجاد کنند. این محدودیت ها نسبت به افرادی اجرا می شود که هنوز حکم قطعی محکومیت درباره آنان صادر نشده است. قبول این روش، در زمانه ای که احترام به اصل برائت و حفظ آزادی های فردی و رعایت عدالت جزایی، از اصول مسلم و پذیرفته جهانیان می باشد و همه روشنفکران و آزادمردان با دیده احترام به آن می نگرند، خالی از ایراد نیست (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

عدالت کیفری ایجاب می کند پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی محدودیتی نسبت به آزادی های شخصی و یا اموال افرادی که تحت پیگرد جزایی هستند صورت نگیرد و تا متهمی به موجب حکم قطعی دادگاه صالح، محکومیت نباید مورد تعرض قرار نگیرد. یکی از وظایف مهم دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی، صدور قرار تأمین مناسب علیه متهم است. بیشتر قرارهای تأمین مربوط به شخص متهم هستند اما قاضی می تواند علیه اموال متهم نیز قرار صادر کند. هدف صدور این قرارها، دسترسی به متهم تا پایان دادرسی و تضمین اجرای حکمی است که ممکن است در آینده صادر شود. همچنین صدور قرارهای تأمین از اختلال در روند رسیدگی کیفری به دلایلی مانند فرار متهم و تبانی با دیگران جلوگیری می کند (گلدوست جویباری، ۱۳۸۶: ۷۴).

لزوم اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی، متنبه کردن متهم و دیگران، حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق بزه دیدگان می تواند در بعضی موارد، قانونگذار را بر آن دارد تا به مقامات قضایی اجازه دهد که پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی محکومیت، بعضی از آزادی های متهم را سلب کنند و یا محدودیت هایی برای او به وجود آورند. درخصوص فلسفه صدور قرار تأمین (مهاجری، ۱۳۸۵: ۱۲۳)؛ به طور خلاصه می توان به دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم اشاره کرد.

^{۱۴} - مواد ۲۸۶ و ۲۰۰ لایحه آیین دادرسی کیفری.

با توجه به مباحث فوق مبرهن است که توجه به شخصیت متهم در صدور قرار تأمین بسیار حائز اهمیت می باشد، چرا که مقام تحقیق پس از تفهیم اتهام جهت تضمین حضور به موقع متهم در مواقع لزوم و جلوگیری از فرار او، ناچاراً بایستی با صدور قرار تأمین مناسب، این مهم را تأمین کند و امکان آن میسر نیست جز با آشنایی با شخصیت متهم.

در مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، انواع قرارهای تأمین مشخص شده اند که عبارتند از: التزام به حضور با قول شرف، التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الکفاله، اخذ کفیل با وجه الکفاله، اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول، بازداشت موقت با رعایت شرایط قانونی و قرار عدم خروج از کشور.

قانونگذار ایرانی علیرغم اینکه به لزوم توجه به شخصیت متهم و تبعاً تشکیل پرونده شناسایی شخصیت متهم به خوبی واقف بوده است، متأسفانه تشکیل پرونده شناسایی شخصیت را در این مرحله پیش بینی ننموده و تنها به موجب ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، لزوم توجه قاضی به شخصیت متهم در هنگام صدور قرار تأمین را متذکر گردیده است:

ماده ۱۳۴: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد».

چنانچه ملاحظه می گردد به موجب ماده ۱۳۴ قانون مذکور معیار کلی در تعیین نوع قرار عبارت است از:

۱- شخصیت متهم ۲- دلایل اتهام ۳- شدت مجازات ۴- اهمیت جرم ۵- ضرر و زیان مدعی خصوصی. این در حالی است که قاضی زمانی می تواند این معیار (شخصیت متهم) را به خوبی مدنظر قرار دهد که توسط متخصصین امر، شخصیت واقعی متهم جهت استفاده قضایی گزارش شده باشد.

۳-۲-۱-۲- تعلیق تعقیب

تعقیب جرم مهمترین وظیفه دادرسی است تاپس از تشکیل و تکمیل پرونده تحقیقات مقدماتی، زمینه محاکمه و صدور حکم توسط دادگاه فراهم شود. از این وظیفه با عنوان «اصل قانونی یا الزامی بودن تعقیب» یاد می شود، اما ممکن است دادرسی با توجه به اوضاع و احوالی خاص به این نتیجه برسد که خودداری از تعقیب و تعلیق آن به صلاح متهم و جامعه است. بنابراین اصل دیگری با عنوان «اصل مفید و مناسب بودن تعقیب» شکل گرفته است (خالقی، ۱۳۸۷: ۳۴). ترس از تعقیب و محکومیت برای برخی از اشخاصی که نخستین بار مرتکب جرم شده اند می تواند عاملی مؤثر در پیشگیری از تکرار جرم باشد. به این سبب، مرجع تعقیب در صورتی که اقامه دعوی علیه متهم را با توجه به شخصیت او مفید تشخیص ندهد، باید مجاز باشد که در جرایم با اهمیت کمتر به «بایگانی کردن پرونده» برای همیشه و در سایر جرایم به «تعلیق تعقیب» به صورت موقت پیش از سپری شدن مدتی که قانونگذار برای مرور زمان تعقیب در نظر گرفته اقدام نماید (خزایی، ۱۳۸۲: ۷۲). در ایران این اصل با پیش بینی قرار تعلیق تعقیب توسط دادستان در سال ۱۳۵۲ پذیرفته شد و ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرد: «در امور جنحه هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید و این قرار حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد، در صورتی که دادستان با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی و روحیه متهم و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده تعلیق تعقیب را مناسب بداند، می تواند با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را معلق و پرونده را به دادگاه جنحه ارسال نماید:

۱- موضوع اتهام از جرایم مندرج در باب دوم قانون کیفر عمومی نباشد ۲- متهم سابقه محکومیت موثر نداشته باشد ۳- شاکی خصوصی در بین نبوده یا گذشت کرده باشد. دادگاه جنحه در صورتی که قرار تعلیق را تأیید نماید قرار قطعی است، در غیر اینصورت طبق مقررات به موضوع اتهام رسیدگی خواهد نمود. هرگاه درباره متهم قرار تأمینی صادر شده باشد، پس از قطعیت قرار تعلیق، قرار تأمین ملغی الاثر خواهد شد.» (کلانتریان، مرتضی، محسنی، ۱۳۷۷: ۱۶۶). در سال ۱۳۵۶ این قانون اصلاح شد و در ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، به دادستان اجازه داده شد که تحت شرایطی رأساً قرار تعلیق تعقیب را صادر کند (آشوری، ۱۳۹۲: ۵۸). این قرار امروزه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۶۱ مورخ ۸۲/۷/۲۲ همچنان قابلیت اجرا دارد و برای اجرای آن لازم است که دادستان شرایط خاص متهم را بررسی و درباره مناسب بودن تعقیب کیفری تصمیم گیری کند.

اگرچه قانون اصلاحی سال ۱۳۸۱ بحث راجع به «اقتضای تعقیب» را به سکوت برگزار نموده است، لیکن در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری با لحاظ تقریبی همان شرایط مندرج در ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب تیرماه ۱۳۵۶ نهاد «تعلیق تعقیب» پیش بینی شده است (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۱۱). همانطور که ملاحظه گردید نهاد تعلیق تعقیب نیز از جمله مواردی است که در اختیار مقام تعقیب یعنی دادستان بوده و معیار اصلی، جهت استفاده از آن در راستای دادرسی عادلانه و تأمین کننده دفاع اجتماعی، در نظر گرفتن «شخصیت متهم» می باشد که آن نیز ممکن نیست مگر آنکه در کنار پرونده قضایی متهم «پرونده شناسایی شخصیت» نیز در دادرسی تشکیل شده باشد تا دادستان بادر نظر گرفتن آن و لحاظ شخصیت متهم تصمیم متناسب مبنی بر اعمال «تعلیق تعقیب» یا عدم استفاده از آن اتخاذ نماید.

۳-۲-۱-۳- استنطاق و بازجویی

بازجویی و تحقیق از متهم برای کشف حقیقت از قدیمی ترین شیوه های مورد استفاده مراجع قضایی در جوامع مختلف است. در گذشته متهم را تحت انواع شکنجه های جسمی و روحی قرار می دادند. در آن دوران اگر شخصی از طرفی مدعی العموم متهم به جرمی می شد باید ثابت می کرد که بی گناه است. متهم به محض دستگیری تحت انواع شکنجه ها و فشارها قرار می گرفت تا به حقیقت اعتراض کند البته حقیقتی که قاضی و مدعی العموم دنبال آن بودند. اطلاعاتی که در مرحله تحقیقات مقدماتی به دست می آید پایه اصلی تحقیقات را تشکیل می دهد و بر مسیر فرایند کیفری تأثیر می گذارد. اطلاعات نادرستی که در آغاز گردآوری شده باشد موجب گمراهی قاضی و انحراف از کشف حقیقت می شود (آخوندی، ۱۳۸۴: ۶۷).

سیستم قضایی از یک سو باید براساس اعلامیه حقوق بشر و قوانین داخلی رعایت متهم را بکند و از سوی دیگر مانع تضییع حقوق زیان دیده بشود و نظم جامعه را حفظ کند. بنابراین استفاده از روانشناسی قضایی یا روانشناسی استنطاق در این مرحله اهمیت خاصی دارد. این دانش به پلیس، قاضی و سایر مقامات می آموزد که با جلب اعتماد و همکاری متهم یا شاهد و کاهش تنش های روانی می توان روند بازجویی را به شکلی درست و علمی هدایت کرد و با توجه به شرایط فردی متهم یا شاهد می توان سوالات مناسب و دقیقی از آنها پرسید و خطای قضایی، دروغگویی، کلی گویی و تناقض گویی را به حداقل رساند و از به کارگیری روش های خشن و غیرانسانی پرهیز کرد. افزون بر اینکه متهم تا اثبات جرم، بی گناه تلقی می شود و برخورد با او باید با احتیاط و رعایت اصل برائت باشد. همچنین در صورتی که دلایل و

قراین به نحوی است که امکان تفهیم اتهام وجود دارد باید برای احتراز از اتخاذ روشی غیرموثر و مخرب مبادرت به شناخت متهم کرد (نجفی توانا، ۱۳۹۳: ۳۶).

اهمیت روانشناسی استنتاج به این دلیل است که علاوه بر اعلامیه حقوق بشر حتی هویت ملی، اخلاقی و دینی ما نیز اقراری که ناشی از اراده و قصد متهم نباشد را نمی پذیرد. بنابراین ما ناگزیریم که با روش جدید کاری کنیم که متهم خودش با ما همکاری کند، که براساس آموزه های این دانش، نخستین گام در برخورد با متهم، شناخت شخصیت اوست و این شناخت جز با تشکیل پرونده شخصیت ممکن نمی شود.

۳-۲-۱-۴- بازداشت موقت

بازداشت موقت، مهمترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است که موجب سلب آزادی متهم پیش از محکومیت می شود. از این رو برخلاف اصل برائت و برابری سلاح ها، به حیثیت و آبرو و اعتبار فرد لطمه می زند و ممکن است بر ذهن قاضی دادگاه نیز اثر منفی بگذارد و صدور قرار بازداشت را قرینه ای بر مجرمیت فرد تلقی کند. این انتقادات و معایب کارکرد قرار بازداشت موقت را محدود می کند و چنانچه صادر شود در چند مرحله و توسط مقامات صالح بازبینی می شود. در همین راستا می توان از اطلاعات موجود در پرونده شخصیت متهم استفاده کرد تا جز در موارد اجتناب ناپذیر چنین قرار صادر نشود. همچنین پرونده شخصیت برای بازبینی قرار بازداشت موقت و رسیدگی به وضعیت افرادی که در بازداشت به سر می برند مفید است (خالقی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

۳-۲-۲- تشکیل سوابق شخصیتی در مرحله اجرای مجازات

ماده ۲۰۳ قانون جزا به تشکیل سابقه اختصاص یافته است. در واقع تشکیل سوابق شخصیتی ضروری است زیرا سوابق کیفری تنها در فرآیند قضاوت در مورد اعمال مجرمانه مورد استفاده قرار می گیرد. از سوی دیگر، هدف اصلی قضاوت در مورد اعمال مجرمانه نیست، بلکه مجازات مجرمان است. فرآیند تجزیه و تحلیل شخصیت های مختلف دشوار است و مستلزم تشکیل پرونده های شخصیتی است. استفاده از کارشناسانی چون پزشک، روانشناس، کارشناسان آموزشی، جامعه شناسان و جرم شناسان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. همه این اعمال نقش مهمی در فرآیند تشکیل سوابق شخصیتی در خصوص مجازات های کیفری مهم از جمله محرومیت از زندگی، قطع دست و پا و اندام، حبس ابد یا مجازات اختیاری دارند. با توجه به این موارد، بازرس گزارش را به واحد مددکاری اجتماعی ارائه می کند و پرونده شخصیتی به صورت جداگانه تشکیل می شود. این رکورد شامل اطلاعات زیر است:

الف - گزارش واحد مددکاری اجتماعی در خصوص وضعیت مالی، خانوادگی و اجتماعی متهمان

ب- گزارشات پزشکی و روانشناختی

با توجه به موارد فوق، قانونگذاران می توانند بازرسان را ملزم به استفاده از نظرات مددکاران اجتماعی در موارد خاص در خصوص تشکیل سوابق شخصیتی نمایند.

تمامی اطلاعاتی که باید در قالب یک کارنامه شخصیتی جمع آوری و تجزیه و تحلیل شود به دو بخش تقسیم شده است. هر بخش به داده های خاصی نیاز دارد. مددکاران اجتماعی می توانند به مشتریان کمک کنند. یکی از مهمترین وظایف مددکاران اجتماعی برقراری ارتباط با مقامات و موسسات قضایی است. این ارتباطات نقش مهمی در روند کاهش جمعیت بزهکاران دارد. در این مرحله مددکاران و مشاوران اجتماعی از روش های میانجی گری کیفری استفاده می کنند.

این روش ها را می توان در پرونده های کیفری مربوط به بزهکاری کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار داد. یکی از مهمترین عوامل شورای قضائی، کمیته داورى است که در قانون جزا در خصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان بسیار مهم تلقی می شود. تمرکز مددکاران اجتماعی بر سن مسئولیت کیفری، جرایم و تشکیل پرونده قضایی. آنها باید مطمئن باشند که کودکان بزهکار اشکال مختلف حمایت از جمله حمایت های روانی، قانونی و والدین را دریافت می کنند. گاهی از آنها خواسته می شود که در این فرآیندها به دادگاه کیفری کمک کنند. تمامی اصول کنوانسیون حقوق کودک و سایر استانداردهای ملی و بین المللی نقش مهمی در این فرآیندها دارند. برخی موارد نیاز به حضور پلیس، مشاوران و مددکاران اجتماعی دارند به طور کلی سوابق قضایی، پلیسی و شخصیتی نقش مهمی در پرونده های کیفری دارند.

تشکیل سوابق شخصیتی بزهکاران به فرآیند فراتر رفتن از جنبه های قانونی بزهکاری و در نظر گرفتن سایر جنبه های جرایم با تحلیل سوابق خانوادگی، تحصیلی، شغلی، روانی و جسمی بزهکاران و همچنین انگیزه های مجرمان، ارتباط بین بزهکاران، بزه دیدگان و همدستان، اعمال متهمان پس از ارتکاب جرم و وضعیت عمومی بزهکاران پس از ارتکاب جرم. با توجه به این فرآیندها، می توان با استفاده از تکنیک ها و روش های مختلف مانند تصویربرداری الکتریکی مغز (الکتروانسفالوگرافی)، آزمون های فرافکنی، اندازه گیری های خانوادگی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی و ویژگی های موردی در قالب نظرات مشورتی متخصصان بالینی، شخصیت بزهکاران را تحلیل کرد.

۱- احکام قضات دادگاه در خصوص فرآیند فردیت مجازات یا اقدامات تأمینی.

۲- زندانبانان اقداماتی را که مانع از آزادی زندانیان می شود یا اعمالی که با هدف فردی کردن این مجازات ها انجام می شود در سوابق شخصیتی متهمان ثبت می کنند. به طور خلاصه، فرآیند فردی سازی مجازات ها به تحلیل شخصیت متهمان و شناسایی مجازات های منطبق با اعمال مجرمانه برای مجازات و اصلاح بزهکاران و اجرای عدالت اشاره دارد. با توجه به مطالب قبلی در مورد قانون مجازات جدید، قانونگذار در فصل پنجم بر اهمیت مواد ۱۳۱ تا ۱۳۹ تاکید کرده است.

تمرکز اصلی بر شناسایی مجازات ها بر اساس شخصیت بزهکاران است. با این حال، تشکیل سوابق شخصیتی تنها در مرحله نهایی یا به عبارت دیگر در مرحله اجرا ضروری است. به عبارت دیگر، در ایران کارنامه شخصیتی پس از محکومیت شکل می گیرد و نه در مرحله جرم انگاری..

قضات بر اساس شرایط یا سوابق خاص متهمان یا عواملی که آنها را به ارتکاب جرم تحریک می کند، درباره مجازات یا تخفیف مجازات تصمیم گیری می کنند. تشکیل رکورد شخصیت نقش مهمی در روند حذف و پیشگیری از ناهنجاری ها دارد. تأثیر سوابق شخصیتی به تخفیف مجازات محدود نمی شود. در برخی موارد می تواند منجر به تعلیق مجازات شود. در واقع بین تعلیق مجازات و تشکیل سوابق شخصیتی رابطه معناداری وجود دارد. شکی نیست که تخفیف یا لغو مجازات مستلزم تشکیل این سابقه است.

به عبارت دیگر، قضات در صورت تعیین این مجازات ها بدون تحلیل شخصیت بزهکاران با مشکلات خاصی مواجه خواهند شد. با وجود تمام مزیت های تشکیل رکورد شخصیت، منجر به شکل گیری چالش های مختلفی شده است. به عنوان مثال، تشکیل پرونده شخصیتی می تواند روند محاکمه را گسترش دهد. همچنین مستلزم درگیر شدن با زندگی

شخصی و حریم خصوصی افراد است تا بر روند اعدام تأثیر بگذارد. با این حال، قضات از این داده ها برای اجرای عدالت، صدور دستور مناسب و شناسایی مجازات های منطبق با جرایم برای اصلاح و درمان بزهکاران استفاده می کنند.

۴- نتیجه گیری

در حقوق کیفری ایران تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً و به عنوان یک رویکرد محوری در مراحل رسیدگی کیفری پیش بینی نشده و فقط در مرحله اجرای مجازات حبس آن هم به منظور طبقه بندی زندانیان، تشکیل آن الزامی اعلام شده است. اما به موجب بعضی مواد قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۲ و ۲۵) و قانون آیین دادرسی کیفری ماده (۲۲۲) میتوان گفت که قاضی کیفری برای صدور حکم یا تصمیم عادلانه نسبت به بزهکار به طور ضمنی به تنظیم پرونده شخصیت به عنوان یکی از لوازم دادرسی عادلانه مکلف شده است. اگرچه خلأ تشکیل پرونده شخصیت، چگونگی آن و اینکه این پرونده توسط چه کسانی تشکیل میشود با سؤال همراه است با این وجود تدوین کنندگان لایحه مجازات ۱۳۹۰، رویکرد مناسب تری نسبت به قانون فعلی اتخاذ نموده و در برخی مواد تلویحاً تشکیل پرونده شخصیت را مد نظر قرار داده اند که به آن در مباحث پیش رو اشاره خواهیم کرد. لازم به ذکر است که قانون گذار در تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری در یک اقدام خردگرا، هرچند با تأخیری تأمل برانگیز در ماده ۲۰۰ برای بزرگسالان و در ماده ۲۸۶ برای اطفال و نوجوانان صرفاً در جرایم مهم و البته در مرحله تحقیقات مقدماتی تشکیل پرونده شخصیت را پیش بینی کرده است.

در پرونده شخصیت که از مجموعه اطلاعات شخصی و خانوادگی و اجتماعی مجرمان در دستگاه قضایی تشکیل میشود و هدف آن دستیابی به اهداف مجازاتها و فردی کردن تطبیق اعمال مجازات با توجه شخصیت فرد است عوامل مهمی مانند جنس حسن سابقه، سوء سابقه، محکومیت کیفری، وضعیت جسمانی، روانی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی از مؤلفه های لازم برای تشکیل آن به حساب می آیند. با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و روی آوردن آن به دستاوردهای نوین جرم شناختی که در بخش کلیات آن بیشتر به چشم می آید، قانون گذار به صورت تلویحی لزوم تشکیل پرونده شخصیت را پذیرفته است و صرفاً دلیل عدم الزام رسمی دادگاه ها به تشکیل آن را جلوگیری از تحجیم کار در مراجع قضایی می توان جست وجو کرد. از سوی دیگر با توجه به نسخ صریح قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ توسط این قانون و تحمیل بار قانون اقدامات تأمینی و تربیتی بر این قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به نظر میرسد که باید قانون جدید کارایی بیشتری از قانون سابق داشته باشد و گامی به جلو باشد. به طوری که نقش و جایگاه آن بیشتر ملموس بوده و تحولات حقوقی و قضایی خاصی به خصوص لزوم تشکیل پرونده شخصیت مجرم صورت گرفته است. در نتیجه اطلاعاتی که در مرحله تحقیقات مقدماتی به دست می آید پایه اصلی تحقیقات را تشکیل میدهد و بر مسیر فرایند کیفری تأثیر می گذارد. اطلاعات نادرستی که از آغاز گردآوری شده باشد موجب گمراهی قاضی و انحراف از کشف حقیقت میشود. سیستم قضایی از یک سو باید بر اساس اعلامیه حقوق بشر و قوانین داخلی رعایت حقوق متهم و از سوی دیگر مانع تضییع حقوق زیان دیده و نظم جامعه شود. بنابراین استفاده از روان شناسی قضایی یا روان شناسی استنطاق پرونده شخصیت در این مرحله اهمیت خاصی دارد. این دانش به پلیس، قاضی و سایر مقامات می آموزد که با جلب اعتماد و نتیجه کلام، اینکه در نظام حقوقی ما بررسی پیرامون شخصیت مجرم تنها در مرحله اجرای حکم صورت می گیرد در حالیکه تشکیل چنین پرونده ای در مرحله اتهامی یعنی تحقیقات مقدماتی امری

ضروری بوده تا در این راستا بتوان در راه اصلاح و بازسازی مجرمین و تعیین مجازات متناسب با شخصیت بزهکاران و اصل فردی کردن مجازاتها اقدامات مؤثر و مفیدی را انجام داد. امید است که با تصویب موادی در قانون آئین دادرسی کیفری برای نیل به اهداف فوق الذکر میسر و امکان پذیر گردد.

با ابداعات پدیده آمده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جمله نهادهای معافیت از کیفر تعویق صدور حکم تعلیق اجرای مجازات، مجازات های جایگزین حبس که مستلزم تطبیق واکنش متناسب با شخصیت بزهکار می باشند، قانونگذار تلویحاً تشکیل پرونده شخصیت را پذیرفته است به موجب مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تشکیل پرونده شخصیت در جرایم مهم نسبت به بزرگسالان و در جرایم تا درجه ششم نسبت به اطفال صراحتاً پیش بینی گردیده است. لذا اتخاذ هر گونه سیاست قضایی کارآمد و مفید که مستلزم تشکیل پرونده شخصیت است، می تواند نتایج مطلوبی مانند کمک به بزهکار برای باز اجتماعی شدن و بازگشت به زندگی عادی جامعه صرفه جویی در هزینه های زندان و کاهش آمار تکرار جرم گردد. لذا باید و شرایط جهت اجرایی نمودن پرونده شخصیت فراهم گردد و قانون گذار ضمانت اجرای عدم تشکیل پرونده شخصیت را تعیین نماید.

نوع نگرش و بینش نسبت به فاعلین جرایم با سرنوشت محکوم خانواده اش و امنیت اجتماعی جامعه در ارتباط است. به دلیل حساسیت جرایم و تأثیر حکم قاضی علاوه بر شخص مجرم بر خانواده وی و اجتماع و در راستای اصل فردی کردن مجازاتها، لزوم شخصی کردن پرونده شخصیت یکی از دغدغه های علمای حقوق جزا تلقی می شود. به منظور تحقق دادرسی عادلانه و صدور آراء متناسب با شخصیت بزهکار، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت به اثبات می رسد، زیرا بدون تشکیل این پرونده، اهداف عدالت کیفری تأمین نمی گردد. تنها با تشکیل پرونده شخصیت است که میتوان امید داشت که زمینه برای احراز حالت خطرناک متهمان و صدور آراء مناسب و عادلانه فراهم گردد تا در عین حال که عدالت را در تصمیم گیری به کار می گیرند، جامعه را نیز در آینده از خطر متهمان و بزهکاران فعلی ایمن نمایند.

پیشنهادهای پژوهش

در نظام حقوقی امروز ما بررسی پیرامون شخصیت متهم در مراحل پنجگانه دادرسی باید انجام بگیرد، ولی فقط در مرحله اجرای حکم در قانون اصلاح و تربیت در زندان به تشکیل پرونده شخصیت توجه شده است. اکثر حقوقدانان و جرم شناسان معتقدند در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان باید به شخصیت آنان توجه شود تا حکم صادره در حق مجرم با علم یقین و عادلانه باشد. پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم شناسی است که از مجموعه اطلاعات شخصی و خانوادگی متهمان و مجرمان در دستگاه قضایی و زندان تشکیل می شود و هدف از آن دستیابی به اهداف مجازاتها فردی کردن مجازاتها و تطبیق اعمال مجازات بر شخصیت فرد است. پرونده شخصیت می تواند در تمام مراحل دادرسی یعنی مرحله تحقیقات مقدماتی، محاکمه، صدور حکم و اجرای مجازات تشکیل شود در قوانین کیفری بسیاری از کشورهای اروپایی، لزوم تشکیل چنین پرونده ای مورد تأکید قرار گرفته است. در حقوق کیفری، فرانسه در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیق درباره شخصیت اشخاص متهم، وضعیت مادی خانوادگی و اجتماعی آنها پیش بینی شده است. با این وجود در موضوعات جنحه ای، این تحقیق اختیاری است. همچنین در مرحله صدور حکم و در مقام اعطای تخفیف موضوع مواد ۱۸-۱۳۲ تا ۲۰-۱۳۲ ق.م. و تعلیق مجازات (موضوع مواد ۲۹-۱۳۲ تا ۵۷-۱۳۲) و همچنین

در مرحله اجرای حکم و تصمیم‌گیری درباره طبقه‌بندی زندانیان (موضوع ماده ۱-۷۱۷ ق.آ.د.ک) و اعطای آزادی مشروط موضوع مواد ۷۲۹-۷۳۴ ق.آ.د.ک)، توجه به تحقیقات انجام گرفته درباره شخصیت متهم امری ضروری است.



منابع و مآخذ

قرآن الکریم

۱۲۱

مبانی فقهی حقوق اسلامی

دوره ۱۶، شماره دوم، پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، جلد پنجم.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۳)، آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، جلد اول.
۳. آشوری، محمد (۱۳۹۲)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، انتشارات گرایش، چاپ چهارم.
۴. آشوری، محمد و معظمی، شهلا (۱۳۸۹)، پرونده شخصیت در فرآیند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، انتشارات فکرسازان.
۵. بابایی، محمدعلی (۱۳۹۰)، جرم شناسی بالینی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۶. بوشهری، جعفر (۱۳۸۷)، حقوق جزا (اصول و مسائل)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. تیموتی جی. ترال - میچل جی. پرینستین (۱۴۰۱)، روان شناسی بالینی فیرس، انتشارات رشد، چاپ پانزدهم.
۸. حافظی، گلنوش (۱۳۸۹)، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت مجرمان، کارشناس حقوق جزا و جرم شناسی، روزنامه ایران.
۹. حیدری، لیلا (۱۳۹۳)، «حکم منصفانه در پروتو پرونده شخصیت متهم»، روزنامه اعتماد ملی، قابل دسترسی در: نمایه مقالات نشریات جمهوری اسلامی ایران، ویرایش ششم.
۱۰. خالقی، علی (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
۱۱. خزایی، منوچهر (۱۳۸۲)، فرآیند کیفری، مجموعه مقالات، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۱۲. دانش، تاج زمان (۱۳۹۴)، مجرم کیست، جرم شناسی چیست، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کیهان.
۱۳. سیاسی، علی اکبر؛ (۱۳۹۰)، نظریه های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم.
۱۴. شاملو، باقر و افشین عبداللهی (۱۳۹۴)، «دستاوردهای مدیریتی جرم شناسی در آیین دادرسی کیفری، پژوهش نامه حقوق کیفری، شماره ۲.
۱۵. صاحبی، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «جایگاه پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، نشریه حمایت.
۱۶. صانعی، پرویز (۱۳۹۲)، جامعه شناسی ارزش ها، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم.
۱۷. صفاری، علی (۱۳۹۴)، کیفرشناسی: تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، نشر جنگل، چاپ اول.
۱۸. طویلی، مهدی و شیداییان، مهدی و میرخلیلی، سید محمود و دارابی، شهرداد (۱۴۰۰)، تحلیل نسبت مصلحت سنجی تعقیب کیفری با نظم عمومی و امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱۰، شماره ۱.
۱۹. فوکو، میشل (۱۳۹۳)، مراقبت و تنبیه (تولد کودکان)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، نشر نی.
۲۰. فیروزی، مهدی (۱۳۸۵)، کرامت انسانی زندانیان، راهبردها و راهکارها، قم، نشر صفحه نگار، چاپ اول.
۲۱. کلانتریان، مرتضی، محسنی، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه نظریه های مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل کیفری، تهران، روزنامه رسمی.
۲۲. کی نیا، مهدی (۱۳۸۱)، روان شناسی جنایی، تهران، انتشارات رشد، جلد اول، چاپ سوم.
۲۳. کی نیا، مهدی (۱۳۸۸)، مبانی جرم شناسی، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم.
۲۴. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۶)، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۲۵. رضایور، یوسف و جعفری نژاد، هادی و دهقانزاده، حسین (۱۳۹۵)، نقش عامل های شخصیتی، رویکرد یادگیری و هوش در تبیین روش سنجش دانشجویان، نشریه: پژوهش های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، دوره ۱۱، شماره ۴۲.

۲۶. گنجی، حمزه (۱۳۸۸)، روان شناسی عمومی، چاپ یازدهم، تهران، نشر ساوالان.
۲۷. لهنوی، مینا (۱۳۹۴)، چگونگی تشکیل پرونده شخصیت در نظام حقوقی کیفری ایران، تهران: انتشارات جاودانه.
۲۸. محمدیان، سارا و محمد رضا پور، بابک (۱۳۹۲)، لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران، نشریه: مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره ۳.
۲۹. موزن زادگان، حسن علی (۱۳۸۹)، پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق، تهران، سال دوازدهم، شماره ۳۰.
۳۰. مهاجری، علی (۱۳۸۵)، آیین دادرسی در دادسرا، تهران، انتشارات فکرسازان، چاپ پنجم.
۳۱. نجفی توانا، علی (۱۳۹۳)، «استنطاق متهم در پرتو اصول حقوقی و علمی»، مجله کانون وکلای دادگستری، دوره جدید، شماره ۱۹ و ۲۰.
۳۲. ولد، جرج، برنارد، توماس و اسنیپس (۱۳۹۶)، جفری، جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه های جرم شناسی)، ترجمه علی شجاعی، چاپ هشتم، انتشارات سمت.
۳۳. هدایی، فرح (۱۳۹۵)، شناخت شخصیت مجرمانه و راه های درمان آن، دادرسی، شماره ۵.

منابع انگلیسی

۳۴. Ashworth, A. (۲۰۰۸), Principle of Criminal Law, London: Oxford University.
۳۵. Bertram, Christopher (۲۰۰۳), Rousseau and the Social Contract, London, England: Routledge.
۳۶. Block, Jeanne, H (۲۰۱۷): sex role identity an ego development, sanfrancisco, josey-boss, p.۴۷.
۳۷. Watts, Richard E.; Bluvshstein, Marina (۲۰۲۰). "Adler's Theory and Therapy as a River: A Brief Discussion of the Profound Influence of Alfred Adler". The Journal of Individual Psychology. ۷۶ (۱): ۹۹-۱۰۹.
۳۸. William F. Glaser (۲۰۱۳): personality and dangerousness: genealogies of anti-social personality, Australia journal of psychopathy v.۳۷. pp. ۳۵۷-۳۷۱.